

ارتباط دانشگاه و صنعت هنوز ساختارمند نشده است



گروه جامعه: دکتر سعید کریمی نسب رئیس دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، معتقد است رابطه دانشگاه با صنایع بزرگ استان، با وجود نقش روشن و تعیین کننده آن در ارتقای تولید، توسعه آموزش های کاربردی و تربیت نیروی انسانی متخصص، هنوز از یک ساختار پایدار، قانونی و نهادینه برخوردار نیست. این پیوند، بیش از آن که بر پایه ی یک سازوکار سازمان یافته، مستمر و بلندمدت استوار باشد، عمدتاً بر تلاش و انگیزه ی اعضای هیات علمی علاقه مند و توانمند تکیه دارد.

چنین وضعیتی از یک سو استادان دانشگاه را به جای تمرکز بر پژوهش های بنیادین، نوآوری های راهبردی و خلق فناوری های نو، درگیر حل مسائل روزمره و تکرار شونده ی صنایع فرسوده می کند و از سوی دیگر، امکان نقش آفرینی گسترده تر دانشگاه را در سطوح ملی و بین المللی کاهش می دهد. حال آن که اگر این ارتباط در قالبی ساختارمند و هدفمند به سوی مشارکت دانشگاه در کارهای اصولی تری چون طراحی، توسعه و بهینه سازی کارخانجات و معادن هدایت شود، اعضای هیات علمی و پژوهشگران خواهند توانست ضمن پرورش و تعمیق نوآوری های خود، اثرگذاری ماندگارتر و راهبردی تری نیز در مسیر توسعه صنعتی و معدنی ایفا کنند. در چنین شرایطی، دانشگاه نه صرفاً حل کننده ی مسائل جاری، بلکه به یکی از بازیگران اصلی در طراحی آینده ی صنعت و معدن استان تبدیل خواهد شد.

دکتر کریمی نسب در این گفت و گو، ضمن مرور تاریخچه شکل گیری دانشکده فنی و مهندسی، از جایگاه این مجموعه در دانشگاه و استان، نقش آن در صنایع معدنی و فلزی، موانع موجود در رابطه دانشگاه و صنعت، و نیز راهکارهای برون رفت از این وضعیت سخن می گوید.

اگر موافق باشید، گفت و گو را از تاریخچه شکل گیری دانشکده فنی و مهندسی آغاز

کنیم. این دانشکده از چه زمانی کار خود را آغاز کرد و چگونه گسترش یافت؟

برای توضیح این موضوع باید به اوایل دهه پنجاه بازگردیم. شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۵۱ مجوز تأسیس دانشکده علوم و دانشکده فنی و مهندسی را صادر کرد و مرحوم مهندس افضل پور نیز بر همین اساس، از سال ۱۳۵۳ کار ساخت دانشگاه را آغاز کردند. نخستین گروه دانشجویان در سال ۱۳۵۴ با ۱۴۰ دانشجو در چهار رشته فیزیک، شیمی، زبان انگلیسی و مدیریت و بازرگانی شروع؛ و پس از آن، گسترش رشته ها با سرعت پیش رفت؛ از عمران و معدن و مکانیک، متالورژی، صنایع، شیمی، کامپیوتر و در نهایت نفت و گاز در سال های بعد. اکنون دانشکده فنی با ۹ بخش آموزشی فعال، یک مجموعه کامل است. حتی ایجاد بخش نفت و گاز، اگرچه در استانی که نفت خیز نیست، عجیب به نظر می رسد، اما توانست ظرفیت تحقیق و پژوهش بومی را در این حوزه ارتقا دهد.

دانشکده فنی و مهندسی امروز چه جایگاهی در ساختار دانشگاه شهید باهنر دارد؟

دانشکده فنی و مهندسی در دانشگاه شهید باهنر جایگاهی ممتاز دارد. در حال حاضر حدود ۲۵ درصد دانشجویان دانشگاه در این دانشکده تحصیل می کنند؛ یعنی از مجموع حدود ۱۳ هزار دانشجوی دانشگاه، تقریباً یک چهارم دانشجویان در دانشکده فنی و مهندسی حضور دارند. از این نظر، دانشکده فنی و مهندسی در میان ۹ دانشکده کنونی دانشگاه، بزرگ ترین دانشکده به شمار می رود.

از سوی دیگر، حدود ۱۱۳ استاد در این مجموعه مسئولیت آموزش و پژوهش را بر عهده دارند که سهم قابل توجهی از کل اعضای هیات علمی دانشگاه را تشکیل می دهد. این دانشکده نقش بزرگی در پژوهش های دانشگاه دارد و از نظر درآمد ناشی از فعالیت های پژوهشی نیز در جایگاهی برجسته قرار گرفته است. به

همین دلیل، می توان گفت دانشکده فنی و مهندسی نه فقط یکی از دانشکده های دانشگاه، بلکه در عمل مجموعه ای است که کارکردهای آن در ابعاد نزدیک به یک دانشگاه مستقل قابل مشاهده است.

اگر از سطح دانشگاه فراتر برویم و به نقش استانی دانشکده نگاه کنیم، این مجموعه چه جایگاهی در استان دارد؟

دانشگاه شهید باهنر کرمان را باید یکی از مهم ترین مراکز تأمین کننده نیروی انسانی متخصص استان دانست. در این میان، دانشکده فنی و مهندسی نقش اصلی را در تربیت نیروی فنی ایفا می کند؛ نه فقط برای کرمان، بلکه برای برخی استان های همجوار نیز. فارغ التحصیلان این دانشکده، امروز در صنایع بزرگ استان، به ویژه در بخش های معادن و صنایع مس، فولاد و آهن مشغول فعالیت اند و در بسیاری از موارد، همین دانش آموزان به حلقه ارتباطی میان دانشگاه و صنعت تبدیل شده اند. آن ها از یک سو زبان صنعت را می فهمند و از سوی دیگر، ظرفیت علمی دانشگاه را می شناسند؛ بنابراین، این پیوند را در عمل تقویت می کنند.

رابطه دانشکده با صنایع استان را چگونه ارزیابی می کنید؟

رابطه دانشگاه با صنایع بزرگ استان، با وجود نقش روشن و تعیین کننده آن در ارتقای تولید، توسعه آموزش های کاربردی و تربیت نیروی انسانی متخصص، هنوز از یک ساختار پایدار، قانونی و نهادینه برخوردار نیست. این پیوند، بیش از آن که بر پایه یک سازوکار سازمان یافته، مستمر و بلندمدت استوار باشد، عمدتاً بر تلاش و انگیزه اعضای هیات علمی علاقه مند و توانمند تکیه دارد. چنین وضعیتی از یک سو استادان دانشگاه را به جای تمرکز بر پژوهش های بنیادین، نوآوری های راهبردی و خلق فناوری های نو، درگیر حل مسائل روزمره و تکرار شونده صنایع فرسوده می کند و از سوی دیگر، امکان نقش آفرینی گسترده تر دانشگاه

را در سطوح ملی و بین المللی کاهش می دهد. حال آن که اگر این ارتباط در قالبی ساختارمند و هدفمند به سوی مشارکت دانشگاه در کارهای اصولی تری چون طراحی، توسعه و بهینه سازی کارخانجات و معادن هدایت شود، اعضای هیات علمی و پژوهشگران خواهند توانست ضمن پرورش و تعمیق نوآوری های خود، اثرگذاری ماندگارتر و راهبردی تری نیز در مسیر توسعه صنعتی و معدنی ایفا کنند. در چنین شرایطی، دانشگاه نه صرفاً حل کننده مسائل جاری، بلکه به یکی از بازیگران اصلی در طراحی آینده صنعت و معدن استان تبدیل خواهد شد.

شما در صحبت هایتان چند بار به فرسودگی صنایع اشاره کردید. این مسئله چه اثری بر رابطه دانشگاه و صنعت دارد؟

تکته ی بسیار تأمل برانگیزی است. بسیاری از صنایع بزرگ استان، عمری فراتر از ۵۰ سال دارند. آن ها بیش از آن که نیازمند جهش های فناورانه ی پیشرو باشند، درگیر «بقا» و «تداوم عملکرد» هستند. استاد دانشگاه ما وقتی تمام انرژی اش را صرف سرپا نگه داشتن یک دستگاه فرسوده می کند، در واقع دست به یک «فداکاری علمی» زده است؛ چرا که این تلاش در نظام ارزیابی دانشگاهی (که بر مبنای مقالات نو و تئوری های پیشرو است) امتیاز چندانی ندارد. با این همه، این موضوع البته بی ثمر نیست. هم مدیران صنایع امروز به خوبی دریافته اند که نظر استادان دانشگاه می تواند در کاهش مشکلات و افزایش کارایی مؤثر باشد، و هم دانشجویان ما در همین بستر می آموزند که چگونه در دل مسائل واقعی صنعت فکر کنند، تصمیم بگیرند و آینده را اداره کنند.

با این توضیحات، آیا رابطه صنعت و دانشگاه به همان اندازه ای هست که شما انتظار دارید؟

صریح بگویم، خیر. با همه ارزش و اثربخشی ارتباطات موجود، هنوز با وضعیت مطلوب فاصله داریم. در دانشگاه های مهم دنیا، پیوند صنعت و دانشگاه یک امر ساختاری است. آن دانشگاه ها الزاماً وابسته دولت نیستند؛ در بسیاری از موارد، رابطه آن ها با صنعت چنان عمیق است که صنعت و دانشگاه به صورت متقابل یکدیگر را پشتیبانی می کنند. صنعت می داند که اگر به دانشگاه بی اعتنا باشد، در آینده خود با مشکل مواجه خواهد شد.

اما در اینجا، با یک مانع مهم روبه رو هستیم و آن هم ماهیت نگاه های بزرگ اقتصادی است. بسیاری از صنایع و معادن ما خصوصی واقعی نیستند، یعنی ساختاری میان دولت و بخش خصوصی دارند، اما در عمل بیشتر به بخش دولتی نزدیک اند. در چنین وضعی، با تغییر مدیران، که گاه تحت تأثیر ملاحظات غیر تخصصی رخ می دهد، نوع نگاه به دانشگاه نیز تغییر می کند. ممکن است مدیری به مجموعه ای بیاید که اصولاً اعتقاد چندانی به ارتباط با



دانشگاه شهید باهنر کرمان



ویژگی هجدهمین دوره جایزه افضل پور

پیاپی ۱۴۰۵